



جایگاه مفاخر هنری در عصر جهانی شدن استاد محمود فرشچیان

امیر رضائی نبرد^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۳۰

چکیده

از جمله اقدامات اساسی در توسعه‌ی فرهنگی هنری هر جامعه‌ای، نگرش راهبردی به مفاخر هنری به عنوان یکی از مصداق‌ها و مؤلفه‌های بنیادین جهانی شدن فرهنگی، جهت هر گونه توسعه و تعامل با جهان پیرامون است. استاد محمود فرشچیان، هنرمند نام‌آور و سرشناس و بی‌همتای «نقاشی ایرانی» و نقش فرش، یکی از مفاخر والایی است که از جایگاه جهانی برخوردار می‌باشد. با توجه به باور خود هنرمند در مورد پدیده‌ی جهانی شدن، هر تمدن و ملتی در عین حالی که به تعبیر «رابرتسون»، دارای عام‌گرایی و هماهنگی با تغییرات جهانی است، باید از خاص‌گرایی و هنر و میراث‌های خود غافل نبوده و هر دو را با نگاهی بنیادین و راهبردی مدیریت نماید. در این مقاله که از نوع نظری و با روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته، ضمن بررسی سبک و آثار و پرشمردن مؤلفه‌های تعهد این شخصیت هنری، به جایگاه هنرهای ایرانی اسلامی و نقش راهبردی استاد محمود فرشچیان در توسعه‌ی فرهنگی هنری ایران در عصر جهانی شدن، پرداخته شده است. با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و رویکرد جامع و چند جانبه‌ی نگارنده در تمامی منابع مربوط به هنرمند، نیز با لحاظ نمودن مجموعه آثار منتشره و نشر نیافته‌ی ایشان (۵۲۹ اثر) که برای اولین بار استخراج و احصا گردیده، می‌توان گفت که استاد فرشچیان، سهم

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن

عظیمی را در راستای همگرایی و نزدیک ساختن فرهنگ و هنر مردم ایران با سایر تمدن‌ها بر عهده داشته است.

کلید واژه‌ها: مفاخر هنری، محمود فرشچیان، نقاشی ایرانی، جهانی شدن

مقدمه

شناخت جایگاه مفاخر هنری در جهان معاصر و در عصر «جهانی شدن»^۱، نقشی بسیار اساسی و راهبردی در توسعه‌ی فرهنگی هنری هر جامعه‌ای خواهد داشت. در این میان، آنچه حائز اهمیت است، نگرش راهبردی به جایگاه مفاخر هنری و هنر متعهد به عنوان یکی از مصداق‌ها و مؤلفه‌های بنیادین جهانی شدن فرهنگی جهت هر گونه توسعه و تعامل با جهان پیرامون و تعالی هنرهای سنتی و ایرانی است. یکی از این مفاخر که از جایگاهی جهانی برخوردار گردیده، استاد محمود فرشچیان است. به جرأت می‌توان گفت که فرشچیان، محبوب‌ترین و جهانی‌ترین هنرمند معاصر ایرانی است. با توجه به باور خود هنرمند در مورد پدیده‌ی جهانی شدن، هر تمدن و ملتی در عین حالی که به تعبیر «رابرتسون»^۲ دارای عام‌گرایی و هماهنگی با تغییرات جهانی است، باید از خاص‌گرایی و هنر و میراث‌های خود غافل نباشد و هر دو را با نگاهی بنیادین و راهبردی، مدیریت نماید. محمود فرشچیان در راستای همگرایی و نزدیک ساختن فرهنگ و هنر مردم ایران با سایر تمدن‌ها، سهم عظیمی بر عهده داشته است.

همان‌طور که کوماراسومی می‌گوید، چپستی هنر، بسی با اهمیت‌تر از چگونگی آن است؛ زیرا این چپستی است که می‌بایست چگونگی را تبیین کند؛ یعنی این فرم است که به شکل منتهی می‌شود (کوماراسومی، ۱۳۸۹، ۱۶). برای فرشچیان، همواره، چپستی بر چگونگی برتری داشته، گرچه در بیان و چگونگی نیز او استادی کامل است. برای وی، هنر نقاشی به عنوان رسالت و عبادت منظور می‌گردد و نه صرفاً عمل نقاشی. به تعبیر متفکران سنت‌گرا، نقاشی کردن او، همچون انجام یک مناسک است. فرشچیان برای آفرینش

1. Globalization
2. Robertson

آثارش دارای آداب ویژه‌ای است؛ مثلاً غالب اوقات به هنگام کار، با وضو و میز کارش نیز رو به قبله است. در صحبت‌ها و نوشته‌هایش همواره از عبارات و آیات قرآنی مانند «هوالمُصَوِّر» استفاده نموده و حضرت حق تعالی را مُصَوِّر حقیقی صحیفه‌ی هستی می‌داند.

رویکرد فرشچیان بر پایه‌ی اسناد و گفتگوهای خود وی، همواره بر اصل هنر برای تعالی انسان‌ها تکیه داشته و نه هنر برای هنر. همان گونه که تولستوی^۱ در نظریه‌ی معروفش می‌گوید: هنر، یک فعالیت انسانی و عبارت از این است که انسانی آگاهانه و به یاری علائم مشخصه‌ی ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده به دیگران انتقال دهد، به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کرده و آن‌ها نیز احساسات مزبور را تجربه نمایند و از همان مراحل حسی که او گذشته است، بگذرند. بر خلاف عقیده‌ی زیبایی شناسان فیزیولوژیست، هنر بازی نیست که انسان به مازاد انرژی متراکم خویش، میدان می‌دهد؛ همچنین، تظاهر احساسات سرکش و تولید موضوعات دلپذیر هم نیست، و مهم‌تر از همه، لذت نیست، بلکه وسیله‌ی ارتباط انسان‌هاست. تولستوی می‌گوید: هنر برای حیات بشر و برای سیر به سوی سعادت فرد و جامعه‌ی انسانی، موضوعی ضروری و لازم است؛ زیرا افراد بشر را با احساساتی یکسان به یکدیگر پیوند می‌دهد (تولستوی، ۱۳۸۸، ۵۷).

در این نظریه، تولستوی، غایت و کارکرد هنر را مورد توجه قرار داده است. شاید بتوان گفت، مشهورترین و مرتبط‌ترین مصداق این اظهارات تولستوی و به ویژه مسئله‌ی سرایت را فارغ از تکامل و یا عدم تکامل نظریه و مواضعش، می‌توان به راستی در فرشچیان و آثارش باز جست. همان طور که تولستوی می‌گوید، مرد هنرمند باید بر سطح رفیع‌ترین جهان بینی عصر خویش جای داشته، احساسی را تجربه کرده، رغبت و اشتیاق و فرصت انتقال آن را داشته و در یکی از انواع هنر، خداوند استعداد باشد (همان، ۱۲۷).

در بیشتر نقاط دنیا، آثار محمود فرشچیان مورد ستایش مردم و هنرشناسان بوده و سازمان جهانی یونسکو نیز چندین سال است که با افتخار، انتشار

1. Leo Tolstoy

گزیده‌ی آثار ایشان را برعهده گرفته و مدیران پیشین آن (فدریکو مایورا)^۱ و (ماتسورا)^۲ بر کتاب‌های ایشان، مقدمه نگاشته‌اند. کتاب «آثار برگزیده‌ی یونسکو-فرشچیان»، چاپ آلمان، از طرف یونسکو به عنوان نفیس‌ترین کتاب هنری عصر حاضر معرفی شده است. نام او در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم ثبت و سبک و مکتب وی در جهان شناخته شده و آثار او در مجموعه‌های بی‌نظیر دنیا پراکنده شده‌اند. پادشاهان و مقامات عالی رتبه، رؤسای جمهور و نخست وزیران کشورهای گوناگون، همچنین موزه‌ها و کتابخانه‌ها و مجموعه داران شخصی و عاشقان هنر، به داشتن قطعه‌ای از آثار او مباحث می‌کنند. فرشچیان به دعوت دانشگاه‌ها و مراکز مهم هنری جهان، با ایراد سخنرانی و برپایی نمایشگاه‌ها، در بهتر و بیشتر شناساندن هنر ایران به جهانیان نقش به‌سزایی داشته است. بسیاری از هنرشناسان برجسته‌ی دنیا، فرشچیان را متعلق به میراث فرهنگی و هنری جهان می‌شناسند و نه کشور ایران یا استان اصفهان.

به هر حال، نگارنده با بیش از بیست سال انیس و الفت و شاگردی و بهره‌مندی از محضر استاد فرشچیان و یک دهه بررسی و کار دانشگاهی در خصوص زندگی و آثار وی که با توفیق الهی در آینده‌ای نزدیک تحت عنوان «فرشچیان پژوهی» منتشر می‌گردد، امید دارد که گام کوچکی در راستای ارتقا و تعالی هنرهای ایرانی-اسلامی و تکریم جایگاه مفاخر هنری برداشته باشد. این نوشتار نیز با ارائه‌ی مصداق‌ها و الگوهای عینی و کاربردی به نقش و جایگاه هنری محمود فرشچیان در عصر جهانی شدن می‌پردازد.

سبک و آثار استاد محمود فرشچیان

اغلب موزه‌های هنری و معتبر جهان، در مجموعه‌ی خود، چندین اثر نقاشی ایرانی یا نگارگری را گنجانده‌اند و هنرشناسان و پژوهشگران برجسته‌ی بین‌المللی، همواره از این عالم نگارین، به شگفتی یاد نموده‌اند. برای نمونه، کن‌بای^۳، نگارگری ایرانی را همانند جهان کوچکی از شکوفه‌های جاودانی، رایحه‌های

1. Federico Mayor
2. Koichiro Matsuura
3. Sheila. R, Canby

دل‌انگیز، مردم فرهیخته و روشنایی خیره‌کننده می‌داند که تماشاگر را به لحظه‌ای درنگ فرا می‌خواند که با تأمل در جزئیات آثار بنگرد. او می‌گوید، این آثار صرفاً به تصویر کشیدن یک داستان نیستند (Canby، 1993، 7)؛ همچنین لوئی ماسینیون درباره‌ی نقاشی ایرانی می‌گوید: کیفیت هنر مینیاتور ایرانی در جهان منتزع از اتمسفر و پرسپکتیو و سایه‌ها و تجسمات عالم مادی با تجلی در فروغ رنگ آمیزی ویژه‌ای که بنیاد نهاده است، گواه بر آن است که هنروان این رشته کوشش می‌نموده‌اند با روش‌هایی نظیر آنچه در علم کیمیا مرسوم است، انوار الهی را که در جسم رنگ‌های نقاشی نهفته و در قشر رنگ زندانی گردیده، آزاد نمایند (تجویدی، ۱۳۵۲، ۱۷). زکی محمدحسن نیز برای نقوش و صور ایرانی، نوعی زیبایی و فریبندگی قائل است که به محض دیدن، در سویدای دل جاگزیده، و شخص را به شگفتی و حیرتی بسیار فرو می‌برد (محمدحسن، ۱۳۶۴، ۳۳). به‌طور کلی، ویژگی‌های نقاشی ایرانی را می‌توان چنین خلاصه کرد:

الف) ویژگی بینشی. نقاش ایرانی یا خود صوفی و عارف است و یا زمینه‌ی فکری‌اش از طریق الفت با ادبیات فارسی به حکمت کهن ایرانی و عرفان اسلامی پیوسته گردیده؛ زیرا عرفا در تبیین سلسله مراتب وجود، به عوالم سه‌گانه‌ی معقول، محسوس و مثالی معتقد بودند.

ب) ویژگی مضمونی. نقاشی ایرانی با ادبیات فارسی پیوندی تنگاتنگ دارد، و ذهن نقاش با ذهن شاعر در پیوندی کاربردی است؛ همچنین، نقاش کارمایه‌ی خود را به‌طور کلی از منظومه‌های حماسی و غنایی بر می‌گیرد.

پ) ویژگی ساختاری. روش و شیوه‌ی هنری نقاش ایرانی، اساساً با طبیعت‌گرایی هم‌خوان نیست. نقاشان ایرانی بر پایه‌ی سنت‌های تصویری پیش از اسلام و با بهره‌گیری از نقاشی چینی، به نظام زیبایی‌شناختی منسجمی دست می‌یابند که اصول و قواعدی خاص خود دارد.

ت) ویژگی کارکردی. نقاشی ایرانی گونه‌ای تصویرسازی به شمار می‌آید، ولی به اعتبار ویژگی‌های بینشی، مضمونی و ساختاری، نیز در ارتباط با خصوصیت‌های فرهنگی، ذوقی و فردی سفارش‌دهندگان، با انواع دیگر مصورسازی در جهان متفاوت است. نقاش ایرانی عمدتاً تحت حمایت شاهان و

در کارگاه‌های درباری و در کنار هنرمندان و صنعتگرانی با تخصص‌های دیگر به کار تصویرگری و کتاب آرایی می‌پرداخت.

ث) ویژگی فنی. در نقاشی ایرانی، نقاش غالباً از سنین کودکی و نوجوانی و زیر نظر استاد به کارآموزی می‌پرداخت و اصول و قواعد کار را مرحله به مرحله و با تمرین‌های پیاپی می‌آموخت. آموختن طرز ساخت قلم موی باریک، ساییدن رنگ‌ریزه‌ها، زرکوبی، لاجورد شویی، مهره کاری کاغذ، همچنین یادگیری فن اجرای بیرنگ، قلمگیری، رنگ آمیزی با رنگ‌های جسمی و پرداختکاری، از مقدمات ورود به جرگه‌ی مصوران و مذهبان بود (پاکباز، ۱۳۸۳، ۵۹۹-۶۰۱).

فرشچیان در هم‌هی ویژگی‌های نقاشی ایرانی، یعنی ویژگی‌های بینشی، مضمونی، ساختاری، کارکردی و فنی، دارای خلاقیت و نوآوری است. او به موضوعات و مضامین سنتی و تثبیت شده تن در نداد و خود را از سیطره‌ی ادبیات فارسی رها نید و به مضامین گوناگون جهان شمولی پرداخت که همین وجه، تشخیص سبک هنری او را آشکار ساخته است.

سبک نقاشی محمود فرشچیان در راستای تاریخ نقاشی ایرانی، منحصر به فرد و جریان ساز بوده است. اگر فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ، ارکان ادبیات ایران و زبان فارسی‌اند، کمال‌الدین بهزاد، سلطان محمد، رضا عباسی و فرشچیان نیز ارکان نقاشی ایرانی‌اند. وی علاوه بر پاسداری از پایه‌ها و مبانی سنتی نقاشی ایرانی یا نگارگری، با تخیل خلاق، نگاه پُر نفوذ، قدرت طراحی و سیاه قلم، رنگ‌پردازی گوناگون و چند لایه، ترکیب نقش‌مایه‌های ایرانی و غربی و ابداع شیوه‌ها و اسلوب‌های نوین، بر قابلیت‌ها و ارزش‌های جاویدان هنر و نقاشی ایرانی افزوده است. جامه‌ها، صحنه‌های شکار، نوازندگان و آلات موسیقی، بزم‌های عاشقانه و عارفانه، گل‌ها و درختان سرو و آواز دلکش پرندگان، آهوان و فرشتگان و صور اساطیری و همه و همه، مناظر روح بخشی هستند که به صورت فرهنگ تصویری ایرانی در آمده‌اند (رضایی نبرد، ۱۳۸۴، ۷۱ و ۷۲). فرشچیان خود درباره‌ی خلق آثارش می‌گوید: من وقتی می‌خواهم کار بکنم، حس یا عشق، واقعاً به من نهیب می‌زند و وقتی مقوا دم دستم است، بدون پیش طرح و با فکر، قلم مو را در رنگ می‌گذارم و کار می‌کنم (رضائی نبرد، گفتگو با فرشچیان، ۱۳۸۷).

امروزه سبک نقاشی فرشچیان در مجامع هنری داخلی و خارجی شناخته شده است. وی با تخیل خلاق و نوآوری و با بهره‌گیری از آثار و شاهکارهای مکاتب هنری ایران و جهان، بر داشته‌ها و تجارب هنری خود افزوده است. یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین مؤلفه‌های سبک و آثارش، موضوعات و مضامین گوناگون و بعضاً بی‌سابقه در تاریخ نگارگری ایرانی است. نگارنده برای اولین بار و پس از چندین سال مطالعه و بررسی، مجموعه‌ی آثار ایشان (۵۲۹ اثر) را با توجه به معیارهای تعریف شده، مورد طبقه‌بندی موضوعی قرار داده که در جداول معیار طبقه‌بندی موضوعی و توزیع فراوانی موضوع درج گردیده‌اند (جداول شماره ۱ و ۲):

۱- جدول معیار طبقه‌بندی موضوعی مجموعه آثار استاد محمود فرشچیان (طبقه، معیار و نمونه)

ردیف	طبقه موضوعی	معیار طبقه‌بندی	نمونه معیار
۱	قرآنی	این گروه از آثار یا به طور مستقیم و غیر مستقیم به آیات و نصّ قرآن اشاره دارند، یعنی شامل داستان‌ها، اشارات و تلمیحات قرآنی، و هر واژه، مفهوم و مضمونی با محوریت قرآن می‌گردند و یا در اثر از تصویر قرآن، نوشته یا موضوعی قرآنی استفاده شده است.	آزمون بزرگ
۲	دینی و مذهبی	طبقه‌ی دینی و مذهبی، مستقیم و غیر مستقیم به موضوعات، مضامین، مفاهیم، اعمال و مناسک و تاریخ دین اسلام و مذهب تشیع اشاره دارند.	عصر عاشورا
۳	معنوی و عارفانه	معیار و شاخصه‌ی اصلی در این قسمت، نهاد و بنیان خود و جدال با نفس، راهبری پیر و مراد و ارتباط مستقیم انسان با ذات پاک خداوند است. این ارتباط از طریق دعا، نیایش، شهود و مکاشفه یا به طور غیرمستقیم و با واسطه و همراهی فرشتگان الهی است. این طبقه، مضامین و مفاهیمی چون سلوک، حالات و مقامات عرفان، داستان‌های پیامبران و عرفا، فراق و وصال معشوق حقیقی را در بردارد. به‌طور کلی، آثار قرآنی، دینی و آثاری که به عرفان و عشق و عروج الهی انسان (حقیقی) توجه دارند و دارای ادبیات عرفانی هستند، در این طبقه جای می‌گیرند. آثار این گروه می‌توانند با شراب، جام، ساز، هاله‌ی دور سر، فرشته و انوار الهی همراه گردند.	حکایت نی

عشق	در اغلب آثار این طبقه، همواره دو شخصیت (کاراکتر) انسانی یا حیوانی در مرکز اثر و یا به طور برجسته در اثر حضور دارند، که در حال مغالزه، گفتگو و عشق بازی‌اند. نازها و نیازهای انسانی و حیوانی (عاشقانه) و فراق و وصال مجازی (زمینی) در این دسته جای می‌گیرند. عشق در این طبقه هم شامل حالات مادی و شهوانی و هم شامل عشق‌های والاتر و معنوی می‌گردد. این گروه علاوه بر طبقه‌ی عاشقانه در طبقه‌ی غنایی نیز جای می‌گیرند.	عاشقانه	۴
غم و شادی	این گروه از آثار، در بر دارنده‌ی احساسات، عواطف و هیجاناتی، نظیر غم و شادی، امید و ناامیدی، آرزوها و رازها، جمال و زیبایی، بزم و بازی، احساسات نسبت به طبیعت و فصل‌ها، جوانی و پیری (مرگ و زندگی شخصی)، تمنیات، ترحم، مهر ورزی انسانی (مجازی)، غنا و آلات موسیقی است؛ همچنین دعا، نیایش و مناجات نیز در این طبقه جای گرفته‌اند.	غنایی	۵
حافظ	این قسمت شامل آثاری است که مصراع، بیت یا ابیاتی که به طور مستقیم در عنوان، متن یا به صورت ترکیبی مورد استفاده‌ی هنرمند بوده، یا به طور غیرمستقیم فرم و محتوای غالب اثر برگرفته از موضوع و مضمونی ادبی، یا شخصیت شاعر یا داستانی ادبی و تاریخی بوده است؛ البته این تأثرات ابزاری بوده و در خدمت هنرمند و با بیانی خلاقانه و پرهیز از هر گونه تصویرپردازی صرف، ارائه گردیده‌اند.	ادبی	۶
خوان سوم رستم	طبقه‌ی حماسی به طور کلی شامل داستان‌های رزمی و پهلوانی و توأم با جلال و والایی در مقابل جمال و زیبایی طبقه‌ی غنایی قرار می‌گیرد. این دسته از آثار، داستان‌های حماسی ملی، شامل رزم‌های پهلوانی و تاریخی شاهنامه و حماسه‌های دینی و مذهبی شامل رزم‌های پیامبران و امامان شیعه را به تصویر می‌کشند.	حماسی (یلنامه، پهلوان‌نامه (۵)	۷
افسانه‌ای از حیات	این طبقه، شامل مسائل و موضوعات کلان و نگرش فلسفی هنرمند نسبت به مقوله‌های شناخت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی می‌گردد. در این طیف از آثار، به طور کلی ادبیات فلسفی بر فرم و محتوای اثر غالب است و موضوع و محور اصلی وجود و ماهیت (هستی و چیستی)، روابط علی و معلولی و مسئله‌ی مرگ و زندگی (آفرینش و نابودی) و به طور کلی و فلسفی آن است.	فلسفی	۸
کتاب	تابلوهایی هستند که به صراحت دربردارنده‌ی موضوعات و مضامین علمی و معرفتی‌اند و در خلق آن‌ها از ابزار و نشانه‌های علمی استفاده شده است. در این طیف از آثار، اهمیت مطالعه و کتاب، تفکر، تکریم دانش، جستجو و شناخت محض مورد توجه و ستایش هنرمند بوده‌اند.	علمی و معرفتی	۹

آدمیزاده	این آثار، موضوعاتی هستند که مستقیماً با ناخودآگاه و روان شخص هنرمند و یا به طور کلی انسان نوعی درگیر هستند و یا منشا و سرچشمه اثر بوده‌اند. به طور کلی این دسته آثار شامل سرشت آدمیزاده، حالات، رفتارها و قوای ظاهری و باطنی روان یا نفس انسان می‌گردند و جهت گیری اخلاقی یا عرفانی و... ندارند، و بر خلاف طبقه و گروه فلسفی که به مسائل کلان و کلی‌تر انسان سر و کار دارند، این دسته شامل مسائل جزئی‌تر انسان می‌شوند.	روانشناسی	۱۰
برای زیستن	این دسته از آثار دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های اخلاقی می‌شوند، و شامل بایدها و نیایدها، فضایل و رذایل اخلاقی و خوب و بد رفتارهای انسانی است. صفات و مؤلفه‌های اخلاقی در سه سطح اخلاق فردی یعنی خودسازی و تزکیه نفس، اخلاق اجتماعی، و در نهایت تقرب به خداوند و وصول به مرتبه‌ی تعالی و رستگاری، مطرح می‌گردند.	اخلاقی	۱۱
جلسه	در این طیف از آثار، موضوعات و مضامین اجتماعی و محیطی مطرح می‌گردند که بیشتر معطوف به دوران معاصر و محیط زندگی خود هنرمند می‌شوند، که در برخی موارد نیز معطوف به خانواده و حتی خود هنرمندان؛ البته علاوه بر این موارد، موضوعات و مضامین اجتماعی نیز به طور کلی و فارغ از زمان معاصر نیز مطرح می‌گردند.	اجتماعی و محیطی	۱۲
در کمینگاه	شامل موضوعات و مسائل انتقادی مستتر در آثار است که در قالب نقش‌های انسانی و حیوانی و... ظهور می‌یابند. در این طبقه، برخی مسائل و موضوعات معاصر و اجتماعی، توسط هنرمند مورد انتقاد واقع می‌گردند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که آثار این طبقه علاوه بر وجه انتقادی، اجتماعی و محیطی و اخلاقی نیز هستند.	انتقادی	۱۳
ققنوس	این گروه زمانمند و دارای تاریخ مشخص واقعی‌اند و گاه دوره‌ی اساطیری و فرا واقعی را نیز شامل می‌شوند؛ همچنین برخی موضوعات و مضامینی تاریخی را که در متون فرهنگی و هنری بدان اشاره شده، در بر می‌گیرند. این آثار شامل دوره‌ی معاصر نمی‌شوند.	تاریخی و اساطیری	۱۴
عطر محبت	این آثار شامل موضوعات طبیعی تمثیلی می‌گردند و شاخصه اصلی آن‌ها این است که مطلقاً تصویر و به ویژه چهره‌ی انسانی در آن وجود ندارد. این آثار علاوه بر طبقه‌ی خود، به طور کلی و به طور تمثیلی شامل موضوعات و مضامین دیگر طبقات نیز می‌شوند.	طبیعی و تمثیلی	۱۵

منبع: نگارنده

۲- جدول توزیع فراوانی موضوع در مجموعه آثار استاد محمود فرشچیان

فراوانی موضوع در مجموعه آثار هنرمند کتاب‌های اصلی، فرعی و آثار موزه‌ها (۱۵۲۹ اثر) به ترتیب بیشترین کاربرد					
ردیف	طبقه موضوعی	کتاب‌های اصلی	کتاب‌های فرعی و آثار موزه‌ها	مجموع	درصد
۱	غنائی	۲۶۶	۸۷	۳۵۳	۶۶/۷۲
۲	معنوی و عارفانه	۱۱۷	۳۵	۱۵۲	۲۸/۷۳
۳	ادبی	۸۶	۴۱	۱۲۷	۲۴/۰۰
۴	اخلاقی	۹۷	۲۲	۱۱۹	۲۲/۴۹
۵	اجتماعی و محیطی	۹۳	۲۱	۱۱۴	۲۱/۵۵
۶	طبیعی و تمثیلی	۸۷	۲۶	۱۱۳	۲۱/۳۶
۷	فلسفی	۹۵	۱۶	۱۱۱	۲۰/۹۸
۸	تاریخی و اساطیری	۶۶	۴۰	۱۰۶	۲۰/۰۳
۹	عاشقانه	۵۹	۱۶	۷۵	۱۴/۱۷
۱۰	دینی و مذهبی	۴۲	۱۱	۵۳	۱۰/۰۱
۱۱	انتقادی	۳۸	۹	۴۷	۸/۸۸
۱۲	قرآنی	۳۳	۸	۴۱	۷/۷۵
۱۳	علمی و معرفتی	۲۳	۱۳	۳۶	۶/۸۰
۱۴	حماسی	۱۴	۲۲	۳۶	۶/۸۰
۱۵	روانشناسی	۱۴	۷	۲۱	۳/۹۶

منبع: نگارنده

تعهد فرشچیان به مفاخر ایرانی

فرشچیان همواره به تمامی بزرگان فرهنگ و هنر ایران، چه در سخنرانی‌ها، چه در آثار و چه در رفتار عملی، ادای دین و احترام نموده است. حساسیت او ورای بسیاری از مسئولیت‌ها و سمت‌های رسمی و غیر رسمی است. او با رصد رویدادهای فرهنگی و هنری در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، کمک شایانی به اقتدار هنری ایران نموده است. در این جا، نمونه‌هایی چند از این خدمات برشمرده می‌شود.

آخرین رییس‌جمهور رژیم حکومتی بعثی عراق، صدام حسین، در کتاب عرب‌و‌العلماء العجم، تمام بزرگان ادب ایرانی از جمله سعدی، حافظ، مولوی، خوارزمی و ابوعلی سینا و غیره را عرب خوانده بود. در پی این اقدام و رفتارهای مشابه برخی از کشورهای منطقه، فرشچیان در صدد بزرگداشت مقام و منزلت مفاخر ایرانی برآمد و اثر مولوی و شمس را خلق کرد تا وی را در قالب هنر نقاشی به عنوان شاعر و عارف ایرانی به جهانیان معرفی کند (کارگزاران، ۱۳۸۶، ۷).

فرشچیان درباره‌ی خیام، شاعر پُر آوازه‌ی ایرانی، ماجرای عبرت‌آمیز را نقل می‌کند: به یاد دارم سالیان پیش برای نمایشگاهی به پاکستان دعوت شده بودم (سال ۱۳۵۲)، مقابل هتل محل اقامتم، تابلوی بزرگ عمر خیام با چراغ‌های نئون تلاًوُ خاصی داشت. در نگاه اول خوشحال شدم از این که نام گرامی شاعر ایرانی، در همه جا درخشندگی دارد، ولی متأسفانه آن‌جا عشرت‌کده‌ای بیش نبود، که البته به مسئولین ایران آن روز در پاکستان، این مورد را با اعتراض گوشزد کردم. این که آن‌ها چه حدی اقدام کردند، نمی‌دانم. از آن روز با خود عهد کردم اگر مجالی فراهم آید، کاری کنم که مغایر با موارد ظاهری و صوری اشعار، فلسفه‌ی پنهان و نهفته در آن‌ها را نشان دهم (تویسرکانی، ۱۳۷۱، ۲۱).

جایگاه فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی

فرشچیان نه تنها در خصوص نقاشی ایرانی، بلکه به طور کلی، تعصب مثبت و قابل تحسینی نسبت به فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی دارد. برای نمونه در سال ۲۰۱۱ میلادی و در ۲۴ اکتبر در بروشورهایی که درباره‌ی نمایشگاه هنر

اسلامی توسط موزهی متروپولیتن به چاپ رسید، در ترتیب نام کشورهای صاحب اثر در آن نمایشگاه، تقدم نام ایران حفظ نشده بود، و پس از اسم کشورهای نه چندان مطرح دیگر آمده بود. در اقدامی دیگر، نام بخش هنر اسلامی در این موزه به هنر سرزمین‌های عربی، ترکیه، ایران، آسیای مرکزی و جنوب آسیای متاخر تغییر یافته بود. این کار با واکنش استاد فرشچیان و محمود شالویی، رئیس وقت موزهی هنرهای معاصر تهران و دانش آموختگان رشتهی باستان‌شناسی مواجه شد.

تعهد به نقوش ایرانی - اسلامی

یکی از تعهدات محمود فرشچیان، رصد رویدادهای هنری و به ویژه چاپ کتب هنری در سطح بین‌المللی است. همان گونه که پیش‌تر آمد چند سال پیش، کتابی به نام *عروبه العلماء عجم* منتشر شد که در کتاب مزبور، دانشمندان و شاعران و مفاخر برجستهی ایران از جمله سعدی، حافظ، مولانا، زکریا و ابوعلی سینا را جزو دانشمندان عرب معرفی کرده بود. چندی بعد هم کتاب دیگری با عنوان *الاشکال الهندسیه العربیه* توسط نویسنده‌ای لبنانی نگاشته شد و به ۲۷ زبان دنیا هم ترجمه شد. در این کتاب، تمام نقوش نقاشی ایرانی به نام نقاشی عربی معرفی گردیده بود. از جمله این که مولوی را با کلاهی تصویر کرده بود که خاص درویشان ترکیه است. به هر حال فرشچیان کتاب مزبور را به آستان قدس و نزد مسئولان ایرانی برد تا اقدام و جوابیهی مناسبی ارائه دهند.

جایگاه صنایع دستی ایران

یکی از تظاهرات و تجلیات تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ، صنایع و هنرهای دستی و سنتی آن ملت‌هاست. ایران یکی از کم‌نظیرترین این کشورهاست که صنایع و هنرهای سنتی اش زبانزد عام و خاص است. امروزه در مجامع بین‌المللی، صنایع دستی به عنوان یکی از عوامل توسعهی انسانی و فرهنگی جوامع مورد تاکید و استناد قرار می‌گیرد. در این راستا، گرچه فرشچیان همواره از این که هنر شریف و مستقلی چون نقاشی ایرانی یا نگارگری، تحت عنوان

صنایع دستی قرار گرفته، در رنج و نارضایتی بوده، اما در نگاه کلان و ملی، همواره پاسدار صنایع دستی و هنرهای ملی بوده و در این راه، شاید مناسب‌تر باشد که بگویم جان‌فشانی و ایثار کرده است تا انجام خدمت. آخرین مورد از این گونه تعهدات وی، پیام به آیین بزرگداشت هفته‌ی صنایع دستی، یا بزرگداشت روز جهانی صنایع دستی (۱۰ ژوئن، ۲۰ خرداد ۱۳۹۳)، بود که در حضور معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، هنرمندان و دیگر مدعوین در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی خوانده شد. متن پیام بدین قرار بود:

صنایع دستی که یکی از جلوه‌های فاخر هنرهای سنتی ایران زمین است، دستاورد عظیمی محسوب می‌شود که پیشینه‌ای به بلندی تاریخ بشریت را در وجود خویش مکتوم داشته و از برجسته‌ترین شاخصه‌های فرهنگی و تمدنی به شمار می‌رود.

هنرهای سنتی در طول تاریخ نه فقط تکنیک و فن تولید، بلکه شیوه‌ی اصیل و موفق در پرورش نسل‌های فرهیخته‌ای بود که توسط استادانی بزرگ و والامقام انجام می‌گرفت، و شاگردانی که بدین گونه تربیت می‌یافتند، از برجسته‌ترین عالمان و فن‌آوران زمان خود می‌شدند. این شیوه که با نام استاد و شاگردی شناخته می‌شد، متأسفانه امروزه مغفول واقع شده، و به همین دلیل، در اغلب موارد به جز چند مورد، هنرمند بیشتر فتان است تا عالم. همین امر، موجب تضعیف بنیان‌های نظری و حکمی هنر می‌شود و امید است که با تدبیر مسئولان محترم، به ویژه دست‌اندرکاران دلسوز سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، باری دیگر این امر در مرکز توجهات قرار گیرد و نام ایران اسلامی همچون گذشته‌ی پُر بار، بر جهانیان پرتوافشانی کند.

برگزاری برنامه‌هایی نظیر گرامی‌داشت روز صنایع دستی و برگزاری نمایشگاه‌های عظیم، از آن دسته فعالیت‌هایی است که موجب تقویت این بنیان ارزشمند می‌شود و شایان سپاس است. اینجانب به عنوان هنرمندی که تمام عمر در راه بالندگی هنر کشور عزیزمان ایران از جان و دل تلاش و کوشش نموده، تقاضا دارم، دولت‌مردان و ملت عزیز و بزرگوار، دست به دست هم داده و میهن خویش را باری دیگر در زمینه‌ی هنر، افسر جهانیان سازند. با سپاس از همه‌ی عزیزان و توفیق روز افزون الهی برای مسئولان دلسوز و محترم، و تمامی

هنرمندان آئینه دل ایران زمین.

جایگاه نقاشی ایرانی

فرشچیان همواره در طول زندگی حرفه‌ای خود، چه با نگارش مقالات و چه با خلق آثار، از جایگاه ارزشمند و جاویدان نقاشی ایرانی دفاع نموده است. او هرگز و به حق، تنزل و تخفیف جایگاه نقاشی ایرانی، مانند یکی دانستن آن با صنایع دستی و غیره را برنتابیده است. نگارنده با بررسی مقالات و گفتگوهای ایشان از آغاز تاکنون، یعنی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۹۳، دریافته که هنرمند از واژه‌ی وارداتی و نارسای مینیاتور گرفته تا سطح کلان و تأسیس دانشگاهی برای هنرهای سنتی و نقاشی ایرانی، همواره از هیچ کوشش و خدمتی در جهت توسعه و تعالی هنرهای ملی، فروگذاری نکرده است. شاید مصداق این مفاهیم از زبان خود هنرمند و در قالب خاطره، خالی از لطف نباشد.

خاطره‌ای که نقل می‌شود، برخورد دوستانه‌ای است که وی به گاه برگزاری یکی از نمایشگاه‌هایش با سفیر چین داشته است؛ او (سفیر چین) به نمایشگاه آمده بود و سخت مجذوب تابلوهای من شده بود. پس از ساعاتی چند که به تماشا و مکاشفه‌ی تابلوها گذشت، به سوی من آمد و برای آن که تعریفی از تابلوها کرده باشد، با فروتنی خاص به جماعت همراه گفت که تابلوها و نقاشی‌های من، آثاری ارزنده‌اند و تشابهی قابل توجه با آثار نقاشان و مینیاتورست‌های بزرگ چینی دارند. این گفته اگر چه به نوعی تعارف بود و تعریف کردن از کارهای من، و چون افزود که اصولاً آثار مینیاتورست‌های برجسته و تابلوهای خوب ایرانی به آثار نقاشان چینی شبیه است، فکر کردم بد نباشد من هم در همان حال و هوا، تعارفی داشته باشم با ایشان، و همان‌طور که او در تعریف خود به طور ضمنی از نقاشان مینیاتورست چینی نیز تعریف کرده بود و آن‌ها را برتر از استادان گذشته‌ی ایرانی دانسته بود، پاسخی هم به این نکته‌ی هوشیارانه‌ی او هم بدهم. این بود که نخست از نقاشان چینی تعریف کردم و مهارت و استادی آن‌ها را در تصویر کردن طبیعت، ستودم، و گفتم که کار برخی از استادان چینی چنان ماهرانه و دلپذیر است که تصویر آن‌ها از طبیعت، گاه از خود طبیعت نیز به مراتب زیباتر و کامل‌تر است؛ اما بلافاصله

در تفاوت کار چینی‌ها با ایرانیان افزودم که مینیاتور نیست‌های چینی، گرایش به تصویر کردن طبیعت دارند و کارشان در تحلیل نهایی، انتقال قسمتی از زیبایی‌های طبیعت به روی پرده‌ی نقاشی است، ولی مینیاتور نیست‌های بزرگ ایرانی، بیش از آن که اندیشه‌ی تصویر طبیعت داشته باشند، به ترسیم و القای اندیشه‌ها و تصورات خود در زمینه‌های مختلف هستی، حیات انسان، نیک و بد، و خیر و شر پرداخته، و همت خود را مصروف گرایش‌های ذهنی و پیراسته کردن ذهنیات خود در قالب تصاویر متنوع نموده‌اند. این سخنان را من در دفاع از هنرمندان بزرگ ایران، چون رضا عباسی بیان کردم (رستاخیز، ۱۳۵۶، ۱۱).

خاطره‌ی دیگری از ایشان در راستای دفاع از حیثیت ملی و جایگاه نقاشی ایرانی نقل می‌شود. در دانشگاه سالت سیتی یوتاوا برای فرشچیان نمایشگاهی گذاشته بودند که دو مرتبه و هر بار به مدت ۱۵ روز تمدید شده بود. در همان ایام، دپارتمان نقاشی چین هم در همان دانشگاه دایر بود. جالب بود که هنرجویان از نمایشگاه آثار ایشان بسیار بیشتر خوش‌شان آمده بود و مرتب از آن بازدید می‌کردند، به طوری که این مسأله، اساتید نقاشی چینی را ناراحت کرده بود، و برایشان گران تمام شده بود. آن‌ها چنان به کارهای فرشچیان علاقمند شده بودند که از ایشان دعوت نمودند تا در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی تعدادی از آن‌ها شرکت نماید. در پایان جلسه که از نه صبح تا ساعت یک بعد از ظهر بود، برخی از آن اساتید خواستند که به نوعی تلافی نموده و به نوعی او را آزار دهند. استادی آمد و روی شاسی بزرگی که روی صحنه بود، به سبک چینی، نقاشی‌ای بسیار ماهرانه اجرا کرد و بعد رو به جمعیت سؤال کرد: آیا کسی هست در این سالن که بخواهد کاری انجام دهد! و نگاهش را به فرشچیان دوخت. ایشان ابتدا اعتنایی نکرد، چون می‌دانست که استاد چینی مبارز می‌طلبد! اما در نهایت به روی صحنه رفت و چنین گفت: چون آخرین نگاه استاد به من بود، فهمیدم که دلشان می‌خواهد من بیایم و کاری انجام دهم. آقای استاد! شما هر چه در نظر داشتید، نقاشی کردید، به من بگویید چه می‌خواهید تا نقاشی کنم؟ استاد چینی از او می‌خواهد که یک مرد خیلی لاغر و یک مرد خیلی چاق را نقاشی کند. اهل فن می‌دانند که این سوژه باعث می‌شود که توازن و ترکیب‌بندی کار به هم نخورد. او نیز با همان قلم استاد و بدون پیش طرح اولیه، نقاشی را کشید و با اضافه کردن یک درخت پشت سر مرد لاغر، کار را

به تعادل رساند، و کاری شد پُر حرکت، و بیست دقیقه نیز بیشتر طول نکشید. فرشچیان در حال خود نبود که متوجه شد تمام سالن در حال کف زدن هستند و همان استادی که او را به مبارزه دعوت کرده بود، یک سید گل بزرگ برایش آورد و روی پایش گذاشت و گفت که مرا شرمنده کردید. همان طور که خود فرشچیان می گوید، اگر خداوند به انسان کمک نکند و فرد هم توان این را نداشته باشد که در آن شرایط به خودش تسلط داشته باشد، داغان می شود، علاوه بر این که آبروی مملکتش هم از بین می رود (صادقی، ۱۳۸۹، ۵).

بنیان گذاری انجمن ایرانیان مسلمان شرق آمریکا (نور و دانش)

استاد فرشچیان در سال ۱۳۷۱، ساختمان کلیسایی را در شهر رادرفورد^۱ ایالت نیوجرسی با همکاری و یاری هم وطنان و دوستان دین باور مسلمان، خریداری و آن را به مرکزی فرهنگی و دینی تبدیل نمود که طبقه‌ی پایین آن مسجد، و طبقه‌ی فوقانی آن محل سخنرانی و برگزاری جلسات و سایر فعالیت‌های فرهنگی - دینی است. این مرکز امروزه نیز همچنان با نام انجمن ایرانیان مسلمان شرق آمریکا (نور و دانش) به فعالیت خود ادامه می دهد، و فرشچیان هم اکنون رییس هیئت امنای مؤسسه‌ی مذکور می باشد. سکونت و اغلب سفرهای وی به آمریکا، در راستای فعالیت‌های این مرکز معنوی و علمی می باشد.

اهداف مرکز

- ترویج روح و جوهره‌ی اسلام به اعضا و جامعه؛
- ترویج و اداره‌ی اماکنی همچون مساجد، مراکز فرهنگی، آموزشی، مدرسه، مهد کودک و مراکز تجمع؛
- ترویج دین اسلام و تدریس از طریق آموزش و یا فعالیت‌های فرهنگی؛
- اداره‌ی انجمن از طریق جمع آوری کمک‌های مالی و هرگونه فعالیت

1. Rutherford

قانونی دیگر، چه به تنهایی و چه به روش‌هایی که باعث پیشرفت اهداف انجمن گردد؛

- ایجاد محیطی برای تبادل آرا در جهت ایجاد فهم بهتر اسلام و فرهنگ ایرانی برای فایده‌ی جامعه و اعضا؛

- همکاری با مؤسسات مدنی و دیگران در جهت روابط عمومی، ترویج، پیشبرد و شناساندن فرهنگ ایرانی و اسلامی (Bylaws, 2005).

دیپلماسی فرهنگی - هنری

فرشچیان همواره به عنوان سفیر و رایزن غیر رسمی ایران در مجامع بین‌المللی و در دیپلماسی فرهنگی و هنری، حضوری فعال و غیرت‌مندانه داشته و دارد. او همواره در برابر باج‌خواهی و زیاده‌خواهی‌های ابر قدرت‌ها مردانه ایستاده است. آثار کوبنده‌ای چون در سیطره‌ی قدرت، نزاع و نابودی، در کمین‌گاه، انتقام و غیره، روایت تلخ بیداد و رفتار ظالمانه‌ی برخی قدرت‌ها نسبت به دیگر ملت‌ها و کشورهاست. در کمین‌گاه، نمایانگر پنج قدرت سلطه طلب جهانی است که ملل ضعیف دنیا را بی‌رحمانه احاطه کرده و با حالت درنده‌خویی در تلاش برای تملک و تصاحب آن‌ها هستند.

آثاری که شاید در نگاه اول و یا سطحی، راز خود را بر تماشاگر نمی‌کشایند و غالب تماشاگران نیز از این لایه‌های نهانی آثار غافل‌ند.

حضور فرشچیان در ایالت متحده‌ی آمریکا، علاوه بر استقبال گسترده‌ی مردم از آثارش، همواره وی را در معرض طمع و تخریب برخی رسانه‌های دولتی آمریکایی نیز قرار داده است. وی خاطره‌ای از یک گفتگوی چالش‌انگیز را چنین شرح می‌دهد:

یادم می‌آید یک بار از نیویورک تایمز^۱ به منزل ما آمدند و از من تقاضا نمودند که مطالب خاصی را درباره‌ی شرایط امروز هنر در ایران بیان کنم؛ من

1. The New York Times

آنچه را که آنان می‌خواستند، نپذیرفتم و گفتم که در زمان گذشته وقتی که می‌خواستند نمایشگاهی از هنر ایرانی برگزار کنند، شاید حدود ده تا دوازده هنرمند در سراسر کشور بودند که شرکت می‌کردند. در بین آنها سه نفرشان خانم بودند و بقیه آقا. چند سال به همین شکل این نمایشگاه برگزار می‌شد و همین آدم‌ها می‌آمدند و شرکت می‌کردند...، اما حالا وقتی فراخوان چنین کاری اعلام می‌شود، می‌بینید، مثلاً ۷۰۰ خانم یا ۱۲۰۰ آقا در آن شرکت می‌کنند و این نشانه‌ی آن است که توجه و علاقه‌ی مردم ایران به فرهنگ و هنر بسیار بالا رفته است. آن خبرنگار امریکایی به من گفت، من این‌هایی که شما گفتید، نمی‌توان بنویسم، و از من پرسید که آیا برعکسش را می‌توانید بگویید یا نه؟ من هم در جواب گفتم که آن‌چه که من بیان کردم، واقعیت بود و حالا شما می‌خواهید آن را بنویسید، می‌خواهید ننویسید.

شما ببینید این نظریه‌ی ده‌کده‌ی جهانی که حدود ۹۰ سال پیش در دنیا مطرح شد، چه هدفی می‌تواند داشته باشد! جز این که هویت فرهنگی ملت‌های مختلف دنیا را از آن‌ها بگیرند و بتوانند به آسانی بر آن‌ها تسلط پیدا کنند. بودجه‌های هنگفتی هم در این راه خرج کردند. الان هنر اکثر کشورها را که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از هویت فرهنگی خودشان تهی شده است. فقط دو کشور هستند که من مطالعه کرده‌ام و دیده‌ام که در نقاشی در عین حال که کارهای نوینی انجام داده‌اند، هویت فرهنگی خودشان را نیز حفظ کرده‌اند. یکی چین و یکی هم ژاپن. ما هم امروزه متأسفانه از خیلی از امتیازات فرهنگی خودمان فاصله گرفته‌ایم؛ مثلاً ببینید، فرش ایرانی یک روزی در دنیا حرف اول را می‌زد، اما حالا در رده‌ی بیست و هفتم قرار دارد! باید سعی کنیم امتیازات خودمان را حفظ کنیم (رضائی نبرد، ۱۳۹۳، ۱۳۹).

گزیده‌ی نظرات هنرشناسان و صاحب نظران برجسته‌ی جهانی

درباره‌ی سبک و آثار فرشچیان

دکتر ریچارد اتینگهاوزن^۱

نقش‌پردازی‌های فوق‌العاده و رنگ‌آمیزی پر دامنه‌ای که با احساس درونی نگارگری در آمیخته‌اند، طرح‌ها و نقاشی‌های آقای محمود فرشچیان را در راستای سنت اصیل نقاشان بزرگ ایران قرار داده است (Farshchian، 1991).

دکتر هارولد پی. استرن^۲

نقش‌پردازی‌های زیبا و مهارتی که در نقاشی‌های فرشچیان دیده می‌شود، پیوسته برای من حیرت‌انگیز است (Farshchian، 1991).

پروفسور امبرتو بالدینی^۳

برای وصول به این منزل و مدارج بعدی، فرشچیان راهی طولانی و عمیقاً هوشیارانه طی کرد. در سروده‌های شاعران عرفانی ایران، صبورانه تعمق کرده و به جستجو و تأمل در آثار مشاهیر نقش‌آفرین جهان در موزه‌های اروپا و آمریکا پرداخته و قدم به قدم به کار خود که از قریحه‌ی ذاتی و نبوغ خدادادی نیز به حد وفور سود می‌برد، غنا بخشیده و بدین ترتیب در هنر خود به مرتبه جهانی رسیده است (Farshchian، 2004، 233).

استاد هوانگ جو^۴

۱. Richard Ettinghausen، رئیس بخش هنرهای اسلامی موزه متروپولیتن نیویورک (۱۹۶۹-۱۹۷۹)

۲. Harold p. Stern، رئیس گالری فریر، انستیتو اسمیت سونیان واشنگتن. دی سی (۱۹۷۷-۱۹۷۱)

۳. Umberto Baldini، استاد کرسی تاریخ هنر و رئیس دانشگاه هنر فلورانس، ایتالیا

۴. Huang Zhou، نقاش بزرگ چین و ریاست مرکز تحقیقات هنری چین و رئیس موزه

این امتیازات و ویژگی‌های هنری، استاد محمود فرشچیان را به صورت یکی از چهره‌های درخشان هنر نقاشی معاصر در آورده است، و از وی هنرمندی ماندگار ساخته که تنها فرزند زمان خویش نیست، و ارزشیابی آثار وی فقط به معیارهای زمان و مکان خودش محدود نمی‌گردد. ایشان به همه‌ی ادوار هنر، تعلق یافته‌اند. (Farshchian، 2004، 232).

بازیل رابینسون^۱

نقاشی سنتی ایران پس از ادوار تکوینی خود در دوران مغول که با نقوشی درشت و نمایان آغاز گشت، به تدریج گسترش یافت و از دوران ریزه‌کاری‌های دقیق و رنگ‌آمیزی‌های اعجاب‌انگیز مکتب هرات گذشت و به شیوه‌های پرشکوه اوایل عهد صفوی پیوست، و مآلاً به مرحله‌ی حالات احساسی و همچنین خطوط و قلم‌گیری‌های ماهرانه در قرن هفدهم رسید.

نقاشی‌های فرشچیان، تصاویر بسیط و ساده‌ای نیستند که همچون نقوش دوران تیموری و صفوی بیانگر داستانی باشند، به عکس، این نقاشی‌ها را تعبیر تصویری از عوالم درونی نقاش باید دانست. در واقع برای درک بهتر مفاهیم پوشیده در این نقوش، آشنایی با عرفان و ادبیات فارسی و اندیشه‌ها و باورهای نهفته در آن‌ها برای بیننده ضروری است. اگر چه کمتر کسانی در میان غیر ایرانیان می‌توانند ادعای چنین الفتی را با منابع فارسی داشته باشند، معهداً، یک هنردوست می‌تواند همچنان تحت نفوذ قدرت زیبایی نقاشی‌های فرشچیان قرار گیرد، و استادی و کمال مهارت وی را تحسین کند. او به راستی وارث شایسته‌ی یک سنت دیرپای درخشان است (Farshchian، 1991، 9).

یان هوانگ پکن

۱. Basil Robinson، عضو فرهنگستان بریتانیا و سرپرست بخش هنری موزه ویکتوریا

آلبرت لندن

پروفسور فرانسیس ریشار^۱

هر که برای نخستین بار طرح یا نقاشی‌ای از محمود فرشچیان ملاحظه نماید، هیجان شدیدی در خود احساس می‌نماید و از همان اولین لحظه در می‌یابد که فرشچیان هنرمندی است که گرچه همه‌ی اصول و منابعی را که استادان پیش از او می‌دانسته‌اند چگونه از آن بهره‌برداری کنند، عمیقاً و به خوبی می‌شناسد، با این همه، اثر هنری او تشخص ویژه‌ی خود را داراست. همین کیمیاگری است که فرشچیان را یکی از اساتیدی ساخته که هرگز کسی از لذت بردن و مجذوب شدن به غنا و تنوع آثار او، خسته نمی‌گردد (Farshchian، 2004، 231).

ل. زینچوک^۲

تنها هنرمندی که نشانی از خداوند بخشنده‌ی مهربان در اوست می‌تواند شاهکارهایی این چنین بی‌مانند بیافریند که در آن‌ها کردارهای معنوی و دستاوردهای نوع انسانی، دست‌کم در دوهزارسال گذشته تا این پایه محسوس و طبیعی بازتاب یافته است. این همه حساسیت را شما در طریق نیکی، روشنی و هماهنگی گسترده‌اید؛ طریقی که گام‌به‌گام، هنرمند و بیننده، هر دو را به ساحت علوی خواست متعالی و مطلوب لطف خداوندی، نزدیک تر می‌کند.

ما با گام نهادن در جهان شخصیت‌های آثار شما، اندک‌اندک سختی‌های دنیوی انسان‌ها را از یاد می‌بردیم. جان‌های ما کم‌کم از بیهودگی تباهی‌پذیر جنجال‌های روزمره آسوده می‌شد، و آن‌گاه شخصیت‌های آثار شما درخشان‌تر و روشن‌تر دیده می‌شدند، و سرانجام در پاکی و شفافیت چون پرتو آفتاب می‌گشتند (Farshchian، 2004، 228).

۱. Francis Richard، سرپرست بخش هنرهای اسلامی موزه لوور، موزه دار ارشد پیشین

بخش نسخه‌های خطی، کتابخانه ملی فرانسه (پاریس)

۲. L. Zinchouk، منقد و هنرشناس موزه ت. ج. شوچنگو، کیف-اوکراین

پروفسور الینور سیمز^۱ - پروفسور ارنست گروبه^۲

محمود فرشچیان در مقام یک هنرمند، پدیده‌ای استثنائی در قرن بیست و یکم است. او ریشه در سنت طراحان سرزمین خود، ایران دارد، اما در عین حال، آثار اخیرش بسیاری از جنبه‌های هنر نقاشی ایرانی، مانند توازن و نیز پیوند با سنتهای ادبی پر بار شعر را که ویژگی‌های ژرف و زیربنائی نقاشی ایرانی در سده‌های چهاردهم تا هفدهم بوده، اعتلا بخشیده است (Farshchian، 2004، 224).

پروفسور برت فراگنر^۳

به محض این که با آثار آقای محمود فرشچیان روبرو شدم، بلافاصله متوجه شدم که این شخصیت هنری همان کسی است که در برقراری سازگاری و تناسب بین سنت قدیم ایرانیان و عصر جدید، از همه‌ی هنرمندان موفق تر بوده است.

تا کنون، نگارگری را ندیده‌ام که در تلفیق این دو عنصر به درجه‌ای از تکامل رسیده باشد که در آثار محمود فرشچیان مشاهده می‌شود؛ بنابراین روشن است که چرا یونسکو نشر آثار ایشان را برعهده گرفته است.

نقاشی‌های محمود فرشچیان، آثاری را نشان می‌دهد که پیوند تمام عیاری با هنر اصیل ایران دارد، اما بیش از آن، هنری را نمایان می‌سازد که از آن تمام بشریت و همه‌ی جهان است، و به نسل ما می‌آموزد که هنر او نه تنها متعلق به یک تمدن خاص است، بلکه به همان اندازه، بخشی از میراث هنری و فرهنگی کل جهان نیز به شمار می‌رود (Farshchian، 2004، 227).

۱. Eleanor Sims، معاون سابق رئیس موزه‌ی بخش اسلامی موزه هنر متروپولیتن

۲. Ernst J. Grube، اولین رئیس موزه‌ی هنر اسلامی در موزه‌ی متروپولیتن

۳. Bert Fagner، رئیس کرسی ایرانشناسی، زبان، تاریخ و فرهنگ، دانشگاه بامبرگ،

آلمان

پروفسور استوارت کری ولش^۱

محمود فرشچیان و نقاشی‌ها و طراحی‌هایش با همه‌ی پیوندی که با سنت‌های ایرانی دارند، متعلق به این روزگارند. وی استاد پژوهنده‌ای است با احاطه‌ی کامل بر گنجینه‌ی دیرپای هنر سنتی ایران که در طی مسافرت‌های متعدد، هنر اروپا و امریکا را نیز به خوبی مطالعه کرده و به عصر بین‌المللی هنر خو گرفته است.

نقاشی‌ها و طراحی‌های این استاد که من در جایی دیگر او را «نقاش ملکوتی» خوانده‌ام، ابعاد و جنبه‌های گوناگون دارد. آثار او سرشار از داده‌های گران‌بهایی در زمینه‌ی فرهنگ ایران به ویژه دربار صفوی است، و در همان حال با نمایاندن خصوصیات انسان‌ها و حیوانات، بُعدی فرح‌انگیز و آموزنده به خود می‌گیرد، و در مجموع، پیامی فراتر از مضامین ترسیم شده دارد.

در عرصه‌ی دنیای مسجورکننده و گه‌گاه التهاب‌انگیز، قلم فرشچیان با نوای خطوط و نقوش سبز‌گونه‌ی سنتی ایران به رقص در می‌آید. چرخش‌ها و منحنی‌های دو سوی صحنه، یکدیگر را به توازن و اعتدال می‌کشند. خط‌های راست و بی‌انحناء، مگر در بعضی نقوش معماری و کاشی‌کاری‌ها، کم‌یابند. انسان‌ها و حیوانات همه پُرحرکت‌ند و جاندار و پُر از عضله و پوشیده از مو و خز و پر که ناگزیر جای چندانی برای نمایاندن استخوان نمی‌گذارد. فرم‌ها نه هندسی و قراردادی، بلکه طبیعی و سیال و مه‌آلود و اثیری‌اند (Farshchian, 1991, 11-16).

دکتر شیگنوبو کیمورو^۲

مهارت هنری محمود فرشچیان در کاربرد خطوط فاخر و استوار، رنگ‌های پرتالو و با شکوه و تلفیق و هم‌آمیزی‌های موشکافانه است که نشانگر جهشی عظیم در شیوه‌های هنری مکتب‌های هرات، تبریز و اصفهان محسوب می‌شود، که در دوران رنسانس ایرانی عصر تیموری و صفوی، شکوفا بوده‌اند. مکتب اصفهان، اوج مهارت در خلق تابلوهای بی‌شمار با درونمایه‌ی حیات این جهانی

۱. Stuart Cary Welch، رئیس موزه‌های هنر دانشگاه هاروارد- آمریکا (۱۹۷۰-۱۹۹۵)

۲. Shigenobu Kimura، رئیس موزه هنر استانداری هیوگو، ژاپن

است، که اندکی به درخت و سبزه آراسته شده، و در این میان، رضا عباسی در کاربرد خطوط نرم و موزون و با وقار به قصد عرضه‌ی نقش‌های حسی و دلپذیر، مهارتی بسزا داشت. محمود فرشچیان در عین حال که آن ویژگی‌ها را به میراث برده، در آفرینش خطوط گسترده و فراگیر و موج و کاربرد آن‌ها در ترکیب‌بندی گردهای اصیل و ابتکاری خویش، شیوه‌ای منحصر به خود دارد (Farshchian, 2004, 226).

کویچیرو ماتسورا^۱

مایه‌ی مسرت و مباحثات من است که خواننده را به جهان رؤیاگونه‌ی محمود فرشچیان خوشامد گویم. جهان او به راستی قلمرو سحرآمیزی است که در آن واقعیت و خیال در برابر یکدیگر قرار نگرفته‌اند، بلکه با هم‌سازی و هم‌نوایی تخیلی حیرت‌انگیز به هم آمیخته و توأم شده‌اند. در نقاشی‌های محمود فرشچیان، طبیعت و اشیاء را چنان که هستند، می‌توان بازشناخت، اما در عین حال به طرز رازآمیزی دگرگون گشته‌اند. بدین معنا که اگر چه ظاهراً در نظر آشنا می‌نمایند، ولی به یاری مهارت و بینش هنرمند، کیفیتی فوق‌العاده و ناشناخته یافته‌اند.

استادی او، استادی افسونگری است که گذشته و حال و آینده را در جلوه‌ی گاهی شکوهمند و والا، فارغ از قید زمان به هم می‌آمیزد. مجموعه‌ی حاضر که آثار اخیر فرشچیان را در بر می‌گیرد، گواه زنده‌ی ویژگی‌های معنوی و استثنایی و بی‌تردید یگانه‌ی او در مقام یک هنرمند است، و در این باره آن‌چه بر همه‌ی ما مسلم می‌باشد، این است که هنر محمود فرشچیان ماندگار خواهد بود (Far-shchian, 2004, 236).

دانیل م. ماک مستر^۲

مایه‌ی خوش وقتی است که توانسته‌ایم نقاشی‌های خیال‌انگیز فرشچیان را به

۱. Koichiro Matsuura، مدیر کل پیشین یونسکو

۲. Daniel MacMaster، رئیس موزه‌ی علوم و صنایع شیکاگو، ۱۶ نوامبر، ۱۹۷۶

نمایش بگذاریم. مطمئناً او یکی از برجسته‌ترین هنرمندان معاصر است. توجه فوق‌العاده به جزئیات و دقایق، رنگ‌آمیزی و مجموعه‌ی این آثار، مورد تحسین و استقبال مردم آمریکا قرار گرفت؛ همچنین این کارهای هنری، نقش بسیار موثری در بیشتر شناسانیدن میراث فرهنگی ایران داشته است (Farshchian, 1991).

مینیا توره‌های محمود فرشچیان که در ایالات متحده‌ی آمریکا به معرض تماشای هنردوستان آمریکائی گذاشته شد، نمایشگر ارزش‌های غنی فرهنگ ملی و میراث هنری ارجمند ایران بود، و شاهکارهای رؤیا پرورش، بُعد نوینی را در شناخت مردم آمریکا از کشور بزرگ ایران گشود. سوی هنرمندانه‌ای که ما به ندرت توفیق دیدنش را در این سوی جهان یافته‌ایم (مجبایی، ۱۳۵۶، ۱۱).

فدریکو میورا^۱

گشودن کتاب نقاشی‌های محمود فرشچیان به راستی سیر و سیاحت در جهانی از شگفتی‌هاست. در نخستین نگاه، بیننده درمی‌یابد که کیمیای نهفته در آن، آمیزه‌ی دلاویزی از حقیقت و خیال است، و محمود فرشچیان از افراد نادری است که به راز و رمز این کیمیا آگاهی دارد. آدمیان، حیوانات، طبیعت و اشیای بی‌جان، ساکنان جهان این هنرمنداند. آن‌ها را چنان که هستند می‌توان بازشناخت، اما با نگاهی دیگر سیما و معنای تازه‌ای از آنان، آن هم نه در عالم خیال، بلکه به گونه‌ای ملموس و محسوس می‌توان دید. این جاست که فرشچیان به زمره‌ی هنرآفرینان یگانه و استثنائی می‌پیوندد. از نقش و نگارهای او جز با شیفتگی نمی‌توان گفت، زیرا بیننده را به ژرفای بی‌کران هنری که به افسونگری می‌ماند، می‌کشاند؛ به جایی که در آن همه چیز فراسوی زمان شناور است.

مهارت دیگر استاد در این است که وفاداری به سنت هنری ایران را با شناختی عمیق از هنر معاصر به هم آمیخته، و نه تنها میراث عظیم و بنیادین فرهنگی ایران را از یاد نبرده، بلکه به حدّ اشباع از سرچشمه‌های آن نوشیده تا

۱. Zaragoza Federico Mayor، مدیر کل پیشین یونسکو

آثار امروزی‌نش شاهدی بر گنجینه‌های دیروزین شوند و بر آن میراث بزرگ بیفزایند. فرشچیان در طراحی و نقاشی و رنگ‌آمیزی، همچنین در نقوش قالی و کاشی‌کاری، بدایعی به وجود آورده که در تاریخ هنرهای ظریف و ویژه‌ای که تخصص اوست، جاودانه خواهد ماند. این افتخار یونسکو است که در کار ارزشمند انتشار این مجموعه که به درخشندگی هزار خورشید است، هم داستان محمود فرشچیان باشد (Farshchian، 1991، 7).

پروفسور رابرت هیلن براند^۱

محمود فرشچیان با پیشینه‌ی هنر ایرانی به خوبی آشناست، اما به شیوه‌ی غیرقابل تقلید خود، نقاشی می‌کند که به هیچ روی با اسلوب‌های پیشین هنر ایرانی اشتباه نمی‌شود. او روایتگر پیغام مستقل خویش است. بدین روال، نقاشی‌های او، بازتابی از جهان بینی کاملاً فردی اوست و تنها در وهله‌ی دوم، توان و ظرفیت جاودانی هنر ایرانی در بازآفرینی خود، برخوردار می‌دوید. دوباره از شکل‌های پیشین به شیوه‌های شگفت‌انگیز، افتخار به انفجار عظیم رنگ، تمرکز بر جزئیات به شیوه‌ی کمابیش ریزبینانه و تلفیق ایده‌های فرا ایرانی با جهان اندیشه ایرانی را به منصفی ظهور رسانده است (Farshchian، 2004، 221).

فیض احمد فیض^۲

مینیا تور به سبب محدودیت خاص خود، هنری است بسیار مشکل، لیکن محمود فرشچیان با هنر خلاقه‌ی خود به سوژه‌های آثار خود جان بخشیده و اگر جز این بود، این آثار، چیزی بیش از اشیای ساده‌ی زینتی نمی‌بود. مینیا توره‌های او برای ما در مقابله با بسیاری اشکالات مربوط به حفظ سنت و یگانگی و امتیازات خویش، در مقابل هجوم فرهنگ صنعتی بیگانگان و پای بست‌های این هجوم فرهنگی، نوعی وسیله‌ی تدافعی بوده است. نقاشی‌های او، نشانگر پیوستگی‌های مردمی فرهنگ ایران و پاکستان است (مجابی، ۱۳۵۶، ۱۱).

۱. Robert Hillenbrand، استاد هنر اسلامی، دانشگاه ادینبورگ، اسکاتلند

۲. شاعر معروف پاکستانی

دین براون^۱

محمود فرشچیان، مردی است فاضل و در عین حال، جادوگری که با رنگ و قلم مو به سحر کردن هنردوستان می پردازد. او شور و عشق خود را نسبت به هنر، نسبت به سنت‌های قدیمی ملی خود و نسبت به میهنش ایران، به‌خوبی و با حساسیتی هنرمندانه به بینندگان آثارش منتقل می‌کند، محشور بودن با او و تماشای آثارش برای من و همکارانم در انستیتو خاورمیانه، افتخاری بیاد ماندنی بود (مجابی، ۱۳۵۶، ۱۱).

دانیل. جی. بورستین^۲

جناب آقای سفیر کبیر، با کمال خوش‌وقتی، کتاب نفیس نقاشی‌های استاد فرشچیان را که به مناسبت دویستمین سال استقلال ممالک متحده‌ی آمریکا به مجموعه آثار خاورمیانه‌ای کتابخانه‌ی کنگره آمریکا اهدا نموده‌اید، دریافت و به قسمت مربوطه ارسال داشتم. این اثر نفیس، نمایانگر اصالت هنر امروز ایران با تکیه به سوابق تاریخی آن می‌باشد و به عنوان نشانه‌ی دوستی از جانب شما به ملت ما به یادگار خواهد ماند (شرکت، ۱۳۵۷، ۲۲).

دیوید پی پر پونت گاردنر^۳

طی دو هفته‌ی گذشته، دانشگاه یوتا از این امتیاز برخوردار گردید که میزبان آقای فرشچیان و نمایش دهنده‌ی تعدادی از شاهکارهای جدید نقاشی ایرانی باشد که به دست خلاق او ایجاد گردیده است. یکی از تماشایی‌ترین نمایشگاه‌های هنری است که تاریخ ایالت ما بیاد دارد و برای ما به ویژه مایه‌ی غرور و مباهات است که بگوییم، سالت لیک سیتی، یکی از چهار شهر ایالات متحده است که دولت ایران برای این نمایشگاه انتخاب نموده است. این موجب افتخار

۱. Din Brown - رئیس موسسه‌ی خاورمیانه‌ی نیویورک

۲. Daniel Joseph Boorstin، دوازدهمین کتابدار کتابخانه‌ی ملی کنگره‌ی آمریکا (۱۹۷۵)

تا (۱۹۸۷)

۳. David Pierpont Gardner، رئیس دانشگاه یوتا

است که استادی در سطح آقای فرشچیان را در محیط دانشگاه خود می‌بینیم و صمیمانه امیدواریم برنامه‌های آینده در زمانی نه چندان دور، او را به این کشور و ایالت باز گرداند. دانشگاه یوتا از آقای فرشچیان برای توسعه‌ی روابط فرهنگی و آموزشی میان مردم یوتا و مردم ایران سپاسگزاری می‌نماید، و ما بهترین آرزوهای قلبی خود را برای دوام موفقیت و سلامتی و خوشحالی ایشان، تقدیم می‌داریم (شرکت، ۱۳۵۷، ۲۱).

رئیس دانشگاه ترینیتی واشنگتن^۱

مینیا توره‌های محمود فرشچیان، استاد هنرمند معاصر ایرانی به سبب برخوردار بودن از ارزش‌های هنر ملی و باستانی ایران و همراه بودن این ارزش‌ها با هنر نقاشی مدرن، نادرترین آثار مینیا توره جهان است که نمایانگر سبک و شیوه‌ای جدید و قابل قبول برای این هنر قدیمی مشرق زمین است (مجابی، ۱۳۵۶، ۱۱).

دکتر انور سجاد^۲

برای من بسی افتخار است که یکی از بازدیدکنندگان آثار بزرگ‌ترین مینیا توریست زنده‌ی جهان، محمود فرشچیان پودام. نوع خطوط و هارمونی رنگ‌ها در تابلوهای او، ریتم حرکات زنده، خلاقیت ذهنی و شعر موجود در طرح درونی آثارش، به گمان من در هنر مینیا توره بدون سابقه است و اندیشه و ذهنیت تصاویرش، ستایش هر هنر دوستی را برمی‌انگیزد (مجابی، ۱۳۵۶، ۱۱).

دکتر جیم شلی^۳

یک نمایشگاه فوق العاده؛ آرزو دارم که استادان و دانشجویان ما با مشاهده‌ی این آثار شگفت‌انگیز، نسبت به هنر، دید وسیع‌تری پیدا نمایند (شرکت، ۱۳۵۷، ۲۱).

1. Trinity Washington University.

2. رئیس اداره‌ی هنرهای لاهور پاکستان

3. Jim Shelley، رئیس گروه هنر تجسمی دانشکده‌ی هنرهای زیبا در دانشگاه ایلی نوی

جان فوروالتر^۱

محمود فرشچیان با تکنیک عظیم و باورنکردنی و پرداختن به طبیعت و هارمونی رنگ‌هایش، به باور من، بزرگ‌ترین و هوشمندترین مینیاتوربستی است که در تمام تاریخ این هنر تجریدی در سراسر جهان زیسته است. این حقیقت را می‌توان با بررسی و تعمق در تابلوهای بی‌نظیرش به سادگی دریافت. خطوط نازک و درشتی که در آثار او دیده می‌شود، چه در شکل بخشیدن به یک کوه باشد یا ترسیم گلزار و گیاهان، شیری خشمناک و درنده، یا آهوئی ترسیده و وحشت‌زده، خطوطی است مافوق طبیعی که تنها هنرمندان باستانی شرق میانه قادر به ترسیم برخی از آنها بوده‌اند، و تجسم آن در مقیاسی ضعیف‌تر در اندازه‌ی تخیل آن‌ها (مجابی، ۱۳۵۶، ۱۱).

لینکلن پی ونٹی^۲

یک نمایشگاه پرمایه از نقاشی‌ها، متناسب با فکر و ذوق صاحب نظران نقاشی با روش خاص نقاشی سنتی ایران که زیبایی و پیام را در حد نهایت امکان با مواد جدید به وجود آورده است. برای ما جای خوشوقتی است که شخص هنرمند و آثار پر ارزش او را در دانشگاه مشاهده می‌نماییم (شرکت، ۱۳۵۷، ۲۱).

ویل گرت^۳

این کشور (آمریکا) همچنان به سود بردن از وجود مهاجران ادامه می‌دهد، حتی در مورد مهاجران ایرانی. محمود فرشچیان پس از همه‌ی پیروزی‌های درخشانش در اروپا، اکنون حدود یک سال است که در این‌جا زندگی می‌کند. هنر بزرگ فرشچیان از توان، انرژی و روح درون آن جان یافته و مفهوم و لذت حیات را به انسان القا می‌کند (تویسرکانی، ۱۳۷۱، ۱۶).

۱. John Forwalter، منتقد هنر نقاشی، روزنامه‌ی هاید پارک جرالد

۲. Lincklaen Peventy، استاد هنرهای ژاپنی در ایالت یوتا و مشاور سه موزه هنری در

ایالات متحده

۳. Will Grant، منتقد هنری مجله Art Speak (نیویورک، ۱۶ فوریه ۱۹۸۵)

دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای برخی سران و مقامات کشورهای گوناگون درباره‌ی موزه استاد فرشچیان

سوبولوف^۱، دبیر شورای امنیت روسیه

موزه‌ی بسیار قشنگ و تابلوهایی بسیار جذاب در این مکان هست که تمام فلسفه‌ی زمین را در خود دارد. برای شما استاد فرشچیان، توفیق و شکوفایی خواهانم.

جان کرتیس^۲، رییس موزه‌ی بریتانیا

این امتیاز بزرگی است که توانستم این نمایشگاه را ببینم. یاد این تصاویر برای مدت طولانی با من خواهد ماند.

کیم یانگ موک^۳، سفیر کره جنوبی در ایران

دیدن نقاشی‌های مینیاتور که دارای فلسفه‌ی عظیم و اندیشه‌ای عمیق درباره‌ی دین و زندگی بشر می‌باشد، بسیار حیرت‌انگیز است. این میراث عظیم ملت ایران است.

کانگ^۴، رییس فدراسیون جهانی تکواندو

زیبایی، هنر است، و خوشبختی، دیدن آن است.

آنتونیو ماریا کاستا^۵، معاون دبیر کل سازمان ملل در امر مبارزه با مواد مخدر
موزه‌ای با شکوه با نقاشی‌های خارق‌العاده. من با دیدن آثار محمود فرشچیان،

-
1. Valentin Sobolev
 2. Jon Curtis
 3. Kim Jong Muk
 4. Kung
 5. Antonio Maria Costa

تحت تأثیر قرار گرفتیم. فکر می‌کنم او بهترین هنرمندی است که رنج‌ها و شادی‌های جامعه‌ی بشری را بیان می‌کند.

کرامت‌الله عالم‌اوف، وزیر فرهنگ تاجیکستان

از دیدن موزه‌ی خیلی هم جالب نقاش بزرگ کشور به تاجیکستان دوست، که با ما زبان و فرهنگ مشترک دارند، دل، مالا مال فرح و اندیشه گردید. تصویرهای استاد محمود، بیانگر ایده آل انسان دوستی، وحدت و محبت به هم‌نوعان و طبیعت است، و انسان را به تزکیه دعوت می‌نماید. به مردم هنرپرور و هنرآفرین ایران موفقیت و آرامی و ترقی در عرصه‌های مختلف زندگی به خصوص فرهنگ خواهانیم. به امید گسترش روابط فرهنگی میان دو کشور هم‌زبان.

سفیر ترکیه در ایران

دوست دارم مراتب تحسین خود را از هنر آقای فرشچیان ابراز کنم که بهترین سنت‌های هنر ایرانی را در زمان ما به تصویر کشیده است.

معاون ریاست شورای امور خارجی مجلس چین

نقاشی فارس، مثل جواهر فرهنگی است و امیدوارم که هر روز گسترده شود.

معاون مجلس چین

نقاشی‌های استاد فرشچیان، واقعا زیبا و تکان دهنده بود و دل انسان را می‌لرزاند (دفتر یادبود موزه‌ی استاد محمود فرشچیان).

عضویت‌ها

استاد فرشچیان با توجه به استعداد خدادادی و تجارب ملی و بین‌المللی‌اش در

عرصه‌ی نقاشی، به عضویت برخی سازمان‌ها و مراکز گوناگونی درآمده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- عضو و شنفکران قرن بیست و یکم، کمبریج انگلیس، ۲۰۰۰؛
- عضو فهرست who's who، نسخه‌ی قرن بیست و یکم، کمبریج انگلیس، ۲۰۰۱؛
- عضو پیوسته‌ی فرهنگستان هنر؛
- عضو شورای بازسازی عتبات و عالیات؛
- عضو شورای ممیزی درجه یک هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- عضویت در فرهنگستان اروپا؛
- عضویت در فرهنگستان هنر و حرف ایتالیا؛
- عضویت افتخاری در دانشگاه‌ها و مراکز هنری اروپا و آمریکا.

جوایز ملی و بین‌المللی

- ۱۳۹۲ - جایزه‌ی سینا در دانشگاه هاروارد، شهر کمبریج، ایالت ماساچوست؛
- ۱۳۸۰ - چهره‌ی ماندگار در رشته‌ی نقاشی (همایش اول، ستاد چهره‌های ماندگار)؛
- ۱۳۷۹ - انضمام نام هنرمند در فهرست who's who، نسخه‌ی قرن بیست و یکم، کمبریج انگلیس، ۲۰۰۱؛
- ۱۳۷۹ - انضمام نام هنرمند در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم، کمبریج انگلیس، ۲۰۰۰؛

- ۱۳۷۹ - جایزه از شرکت شکلات سازی گودیوای امریکا (نقاشی چهار فصل، به مناسبت ۷۵ امین سالگرد تأسیس)؛
- ۱۳۷۴ - نشان درجه یک فرهنگ و هنر (تیر)؛
- ۱۳۶۶ - نخل زرین اروپا؛
- ۱۳۶۵ - مجسمه‌ی پیروزی، مرکز مطالعات و تحقیقات ملی ایتالیا؛
- ۱۳۶۵ - پرچم اروپایی هنر، آکادمی اروپا؛
- ۱۳۶۴ - تندیس طلایی اسکار ایتالیا؛
- ۱۳۶۴ - تندیس طلایی اروپائی هنر ایتالیا؛
- ۱۳۶۳ - نشان هنر نخل طلایی ایتالیا؛
- ۱۳۶۲ - دیپلم اکادمیک اروپا، ایتالیا؛
- ۱۳۶۲ - دیپلم از دومین سمینار هنر مدرن، ایتالیا؛
- ۱۳۶۱ - دیپلم لیاقت دانشگاه هنر، ایتالیا؛
- ۱۳۵۹ - مدال طلای آکادمی هنر و کار، ایتالیا؛
- ۱۳۵۲ - جایزه‌ی اول وزارت فرهنگ و هنر، ایران؛
- ۱۳۳۷ - مدال طلای جشنواره‌ی بین‌المللی هنر، بروکسل، بلژیک؛
- ۱۳۳۰ - مدال طلای هنر نظامی، ایران.

نتیجه‌گیری

در جهان معاصر و عصر پیش روی ما، بدون تردید رفتار و آثار خلاقانه‌ی محمود فرشچیان، مصداق والایی و ارزش‌های انسانی است. او از طریق خلق آثار هنری و زبان بین‌المللی نقاشی، خواستار عدالت و صلح و آرامش در سراسر

جهان است همان گونه که در مقدمه‌ی منشور سازمان ملل نیز آمده است ایمان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و بین ملت‌ها، و زیستن در حال صلح با یکدیگر (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، مقدمه)؛ فرشچیان نیز در تمام طول عمر خویش، در راستای این وحدت و تفاهم بین‌المللی بسیار کوشیده است.

به‌طور کلی، آثار فرشچیان همواره فرا جناحی و فراملی بوده و فارغ از زمان و مکان، سعی در پالایش روح مردمان و همزیستی مسالمت آمیز جوامع داشته است. درست به همین دلیل، یونسکو انتشار آثار ایشان را به دست گرفت و در همین راستا هنر ایشان در سراسر جهان مورد ستایش شهروندان گوناگون و از هر طبقه‌ای قرار گرفته است.

با توجه به پژوهش و جستجوی چندین ساله‌ی نگارنده در منابع علمی و عمومی مربوط به فرشچیان، نظیر خود آثار، کتاب‌ها، مقالات، نظرات منتقدان و صاحب نظران، گفتگوها، بزرگداشت‌ها و زندگی نامه‌ها، ویژه نامه‌ها، فیلم‌ها، عکس‌ها، منابع اینترنتی و خاطرات شفاهی، به طور کلی و خلاصه، نقش و جایگاه راهبردی ایشان را در توسعه‌ی فرهنگی هنری ایران و تعامل با جهان معاصر را اینچنین می‌توان برشمرد:

- رویکرد هنر برای تعالی و نه هنر برای هنر؛
- خلاقیت و نوآوری بر پایه‌ی مبانی و اصول سنتی نگارگری ایران؛
- بهره‌گیری از فرم و محتوای نقاشی غرب و ترکیب نقش مایه‌های ایرانی و غربی؛
- ابداع سبک شخصی در راستای سنت نگارگری ایران در دوران معاصر؛
- ارتقای سطح نقاشی ایرانی (نگارگری) به عنوان یک هنر مستقل و فخر و نه یکی از شاخه‌های صنایع دستی؛
- تاثیر عمیق و گسترده بر جریان نگارگری معاصر ایران و ایجاد مکتب فرشچیان؛

- اثر گذاری بر صنایع دستی و هنرهای سنتی (فرش، منبت، معرق، کاشی کاری، طراحی لباس و...)
- برانگیختن نظرات هنرمندان، منتقدان، و اندیشمندان ملی - منطقه‌ای و جهانی؛
- گسترش و ارتقای فرهنگ و هنر ایران در قالب انتشار کتاب‌های برگزیده‌ی آثار یونسکو، برپایی نمایشگاه، سخنرانی و سایر فعالیت‌ها در ایران و سایر نقاط جهان؛
- دفاع از تمامیت ارضی ایران؛
- تعهد هنرمند به هنر و نقوش ایرانی اسلامی و به ویژه نقاشی ایرانی؛
- تقویت و توسعه‌ی دیپلماسی فرهنگی هنری در سطح جهان؛
- عضویت‌ها و دریافت جوایز بین‌المللی در راستای تعامل موثر با دانشگاه‌ها، مراکز و موزه‌های هنری معتبر جهان؛
- معرفی و ارتقای جایگاه هنر ایرانی در سطح جهان؛
- تلاش در جهت صلح و وحدت جوامع انسانی.

■ منابع

- پاکباز، رویین. (۱۳۸۳)، دایرة المعارف هنر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۲). نقاشی ایرانی از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفویان، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، آبان.
- تولستوی، لئون. (۱۳۸۸). هنر چیست، چاپ چهاردهم، ترجمه‌ی کاوه دهگان، موسسه انتشارات امیرکبیر.

تویسرکانی، شاهرخ. (۱۳۷۱). بیا برویم رویا ببینیم، گفتگو با استاد فرشچیان، دنیای سخن، شماره ۴۹، اردیبهشت و خرداد، صفحات ۱۷-۲۱.

دفتر یادبود موزه‌ی استاد محمود فرشچیان، مجموعه‌ی سعدآباد، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

رضائی نبرد، امیر. (۱۳۹۳). نگار جاویدان: زندگی و آثار استاد محمود فرشچیان، بی نا و بی تا.

_____ (۱۳۸۰-۱۳۹۳). گفتگوهای جامع (عمومی و تخصصی) با استاد محمود فرشچیان، تهران، منزل شخصی و موزه فرشچیان و منزل شخصی در نیوجرسی

_____ (۱۳۸۷). گفتگو با استاد محمود فرشچیان، تهران، منزل شخصی استاد فرشچیان.

_____ (۱۳۸۴). ادبیات در آثار استاد محمود فرشچیان، نشریه‌ی علمی تخصصی صفیر سیمرخ، شماره‌ی سوم، انتشارات دانشگاه پیام نور کرج، صفحات ۶۹-۷۲.

_____ . بایگانی‌های ده گانه درباره‌ی زندگی و آثار استاد محمود فرشچیان

سازمان ملل متحد. (۱۳۸۸). سازمان ملل متحد در دنیای امروز، مترجم علی ایثاری کسمایی، انتشارات اداره اطلاعات همگانی، آبارون.

شرکت (شهرین)، کاظم. (۱۳۵۷). محمود فرشچیان، پاسدار و متحول‌کننده‌ی هنر مینیاتور اصیل ایران، وحید، شماره‌ی ۲۳۶، تیر، صفحات ۱۸-۲۳.

صادقی، سمانه. (۱۳۸۹). نگران دانشجویان هنر هستم، با این اساتید بی‌انصاف! گفتگو با استاد فرشچیان، مجله‌ی جوان، ۲۹ تیر.

فرشچیان، محمود. (۱۳۵۶). نقاشی ایران، نقاشی چین، رستاخیز، شماره‌ی ۵۹۶، یکشنبه، ۴ اردیبهشت.

_____ (۱۳۵۵). محمود فرشچیان، مجموعه‌ی هنر و هنرمندان (شماره‌ی ۳)، جلد اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

_____ (۱۳۷۰). سیمای پهلوانان شیر اوژن در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، انتشارات سروش و نگار.

_____ (۱۳۷۲). محمود فرشچیان، جلد سوم، نگار.

_____ (۱۳۷۸). رباعی‌های خیام، به اهتمام و ترجمه‌ی پرفسور حسین صادقی و خط غلامحسین امیر خانی، انتشارات امیر خانی.

_____ (۱۳۸۴). رباعی‌های خیام، به اهتمام و ترجمه‌ی پرفسور حسین صادقی و خط غلامحسین امیر خانی، انتشارات یساولی.

_____ (۱۳۸۵). محمود فرشچیان، نقاشی‌های برگزیده، مجموعه کتاب‌های ایران ما-۳، چاپ سوم، زرین و سیمین.

_____ (۱۳۸۷). محمود فرشچیان، جلد پنجم، انتشارات خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا، پاییز.

_____ (۱۳۸۹). محمود فرشچیان، برگزیده‌ی آثار نقاشی، انتشارات نگار، بهار.

_____ (۱۳۹۱). طراحی‌های استاد محمود فرشچیان، الف، انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا، تابستان.

_____ (۱۳۹۱). آثار استاد محمود فرشچیان، ب، انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا، پاییز.

_____ (۱۳۹۱). محمود فرشچیان، برگزیده‌ی آثار (۱۳۵۴-۱۳۸۰)، چاپ سوم، انتشارات یساولی، بهار.

_____ (۱۳۹۲). آثار استاد محمود فرشچیان، نیایش نور، انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا، پاییز.

_____ (۱۳۸۹)، فلسفه هنر مسیحی و شرقی، چاپ دوم، ترجمه

امیر حسین ذکر گو، انتشارات فرهنگستان هنر، پاییز.
 گفتگو با فرشچیان. (۱۳۸۶)، کارگزاران، سال دوم، شماره ی ۳۵۸، یکشنبه،
 ۱۴ مرداد.
 محمد حسن، زکی. (۱۳۶۴). تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ی ابوالقاسم
 سحاب، انتشارات سحاب، چاپ چهارم، اردیبهشت.
 مجابی، جواد. (۱۳۵۶). اظهار نظرهای هنرشناسان درباره ی آثار فرشچیان،
 رستاخیز، شماره ی ۵۹۶، یکشنبه، ۴ اردیبهشت.
 موزه ها و مجموعه های دولتی کشور.

By Laws(October, 2005), Noor-Va-Danesh, Iranian Muslem As-
 sociation Ofeastern United States, Inc.

Canby, Sheila. R (1993), Persian Painting, British Musseum
 Press.

Farshchian, Mahmoud(1991), Farshchian / Unesco, 2 nd. Ed, Vo.
 II, printing , Germany, New York:Homai.

Farshchian, Mahmoud(2004), Farshchian / Unesco, Vo. III, print-
 ing , Italy, New York:Homai. <http://chtn.ir>